

آشنایی شما با نمایشنامه مهمانسرای دو دنیا به چه زمانی بر می گردد و تاثیر این متن روی خود شما چه بود؟

من همیشه به خواندن آثار نمایشی علاقه مند بوده‌ام و شاید حدوداً ۱۵ سال پیش یا بیشتر بود که نمایشنامه مهمانسرای دو دنیای آقای امانوئل اشمیت را خواندم و قلبم تکان خورد و این اتفاق قبلاً هم برایم هنگام خواندن نمایشنامه قرار ملاقات اثر لوییجی یانوتسی افتاده بود. به هر حال این نمایشنامه‌ها فضایی را در مقابل چشم‌اندام باز کردند که در روزمره زندگی عموماً اینگونه افکار را انسان به فراموشی می سپارد و باعث شد که من به نوعی به خود بازگردم.

این تاثیر چگونه به ایده ساخت فیلم مقیمان ناکجا تبدیل شد؟

این مسئله به پازلی بر می گردد که آثار اینگونه تعریف می‌کنم یکی علاقه قلبی همیشگی من به اقتباس است بخصوص از آثار نمایشی چرا که محتوای آثار نمایشی همواره بر پرده برداری از روح، افکار، تصمیمات، وسوسه‌ها و ایثارگریهای انسانهاست و در کل تلاش می‌کنند روح انسان را به نمایش بگذارند و دغدغه دیگری که همیشه داشته‌ام اینست که تمایل داشته‌م به کاراکترهای چنین تناثرهایی نزدیک شوم ولی دور بودن از صحنه تناثر هیچوقت به من اجازه نداد تا من به عنوان تماشاگر دقیقاً نزدیک شوم به افکار کاراکترها و خوب به یاد دارم که به همین علت به تله‌تناثرهایی که از تلویزیون پخش می‌شد علاقه مند بودم چون هم به کاراکترها نزدیک بودیم و هم روح و جانمایه کار به ما منتقل می‌شد. چند نمونه خارجی دیدم که با عنوان تله پلی نامیده می‌شوند و نمونه‌های موفق و جالبی بودند که یکی از آنها مرگ فروشنده آر تور میلر با بازی داستین هافمن بود و در من این فکر شکل گرفت که این سبک جداییست تا شاید بتوان تلفیقی از سینما و نمایش داشت یا همان ژانر را استخراج کرد و دلیل دیگرش این بوده که همواره ساختن فیلم‌های کم هزینه با کارکردهای فراوان مورد توجه من بوده و خب طبیعتاً وقتی چنین شکلی از فیلم‌سازی مدنظر قرار می‌گیرد چه متونی بهتر از متون نمایشی که حداقل امتحان خود را پس داده‌اند و بنا بر هر تاثیر که از هر نمایشنامه‌ای می‌تواند به انسان منتقل شود نوع ترجمه‌ای که مادر آثار خودمان داریم مطرح می‌شود که حال به چه شکلی باشد.

شاهد تاثیر باورهای دینی و فلسفی ایرانی در این فیلم هستییم فکر می‌کنید این مسئله بتواند باعث ارتباط بهتر مخاطب با مقیمان ناکجا شود؟

همه اینها یکسری علائم و نشانه‌هایی است که برای انتقال بهتر مفهوم به مخاطب ایرانی ما چون وقتی ریشه همه باورها را بررسی می‌کنیم به یک منشأ مشترک می‌رسیم بنابراین صحبت درباره مسائل بنیادین و بزرگ انسان خیلی مربوط به اینکه مخاطب از کجا و چه فرهنگ، دین و نوع و نژادی باشد نیست چون اصطلاحاً این مسائل را محتوای جهان شمول می‌نامیم.

الگوی ژانر یک فیلم مقیمان ناکجا را در کدام دسته بندی می‌توان قرار داد؟

من عنوان سینماپش را پیشنهاد می‌کنم ژانری که بتوان در آن با دوربین سینما و به سبک سینما آثار نمایشی را اقتباس کرد و طبیعتاً با توجه به بودجه و توان امکاناتی که در هر دوره ای وجود دارد شکل‌گیری اثر متأثر از شرایط پشتیبانی اش شکل می‌گیرد که برای ما این شرایط چندان قوی نبود و مقیمان ناکجا را به نوعی با لطف محبتی که دوستان و همکارانم داشتند و بودجه‌ای خیلی محدود در زمان خودش ساختیم و در نهایت این شمارا به خودش گرفت و مسلماً اگر بودجه و توان بیشتری در اختیار داشتیم شاید شکل کار متفاوت می‌بود و حتی اگر با هزینه استاندارد سینما فیلم می‌خواست در آن زمان ساخته شود حتماً در قد و قامت یک فیلم کامل سینمایی می‌توانست شکل گیرد.

مرحله نوشتن فیلمنامه و تولید اثر چقدر طول کشید؟
از آنجاییکه در طی یک مدت زمان طولانی و به موازات کارهای دیگر به این اثر پرداختیم می‌توان گفت که از لحظه‌ای که تصمیم به استارت کار زدیم مدت زمان زیادی نبرد چرا که همه از قبل در ذهن من مشخص بود و به همین علت فقط بخش اجرایی اش مانده بود.

با توجه به داستان فیلم و نوع پردازش شما، آیا مخاطب مد نظر شما برای این فیلم مخاطب خاص است؟

محتوای فیلم متاسفانه و با خوشبختانه مخاطب خاص و عام نمی‌شناسد چرا که موضوعی را مطرح می‌کند که به نوعی مرگ

است و مرگ هم مخاطب خاص و عام نمی‌شناسد. به نظر من آقای اشمیت این نمایشنامه را با این نیت نوشته‌اند که هر کسی متعلق به هر طبقه و فکر و قشری در جامعه بتواند با آن ارتباط برقرار کند و نسبت به زندگی اش هشیارتر عمل کند.

نوع مواجهه مخاطب عام را با مقیمان ناکجا چطور ارزیابی کردید؟

فکر می‌کنم پاسخ این سوال در سوال قبل هم باشد و به نظر من این فیلمی است برای بشر، توصیه‌ای است از طرف آقای اشمیت نویسنده نمایشنامه برای بشریت و این عام و خاص نمی‌شناسد.

ساخت این دست فیلم‌ها ریسک‌های زیادی به همراه دارد چه چیزی سبب پذیرش این ریسک از سمت شهاب حسینی است؟

فکر می‌کنم دلیل اشاره شما به مسئله ریسک اینست که اساساً سینما و تولیدات ما در پی سلیقه مخاطب افتاده است و اصلاً فراموش کرده که بخش مهمی از وظیفه این حرفه در همه اشکال خودش ایجاد سلیقه برای مخاطب است بنابراین ممکن است که در گام‌های اول این ریسک به نظر بیاید ولی اگر بتواند مخاطب خودش را در سطح اجتماع پیدا کند نه تنها ریسک نیست بلکه بسیار مقرون به صرفه و پر محتوا از آب در خواهد آمد به هر حال فیلم‌هایی که از این دست ساخته شود لااقل به دلیل قدرتی که در متن نمایشی وجود دارد قابلیت یکبار دیدن را خواهد داشت حتی اگر فیلم هم ساختار درخشانی نداشته باشد اما مفهوم و محتوای کار حتماً درخشان است.

برای انتخاب بازیگرانتان بیشتر چه ویژگی‌هایی را مدنظر قرار دادید؟

اساساً وقتی تصمیم به کارگردانی می‌گیرم تلاش می‌کنم تا بازیگرانم را از افرادی که خیلی به کاراکترهای داستان نزدیک هستند و البته با توجه به شرایط و امکانات و وقت عزیزانی که می‌خواهم به آنها پیشنهاد همکاری بدهم انتخاب کنم تا برای رسیدن به شخصیت مسیر طولانی و سخت و پیچیده‌ای پیش رو نداشته باشیم.

مقوله فلسفه زندگی و مرگ از سوالات بنیادین بشر است آیا فیلم سعی می‌کند تا پاسخی به این سوال باشد؟

به نظر من نه در خود فیلم هم دیالوگی هست که توسط دکتر اسرافیلی گفته می‌شود که بدترین کاری که می‌توانیم با سوال بزرگ مرگ بکنیم اینست که به آن پاسخی بدهیم. نه این فیلم پاسخ نخواهد داد بلکه فقط موضوع را مطرح خواهد کرد و در واقع تماشاگرش را در موقعیتی قرار می‌دهد که در نهایت سعی کند در زندگی خودش به پاسخ این سوال برسد.

از ارتباط با آقای اشمیت بر سر نوشتن فیلمنامه تا ساخت فیلم برای مخاطبان بگویید.

باعث افتخار من است که توانستم ارتباطی ولو آنلاین و حتی مکتوب داشته باشم با آقای اشمیت. من اثر را کار کردم و چون قصد داشتم که اثر را برای جشنواره‌های خارجی ارسال کنم نیاز داشتم که نویسنده محترم اجازه، امضا و تایید خودشان را بر این اثر بگذارند و از طریق دوستان خوبی که امیدوارم خدا همیشه حفظشان کند توانستم با آقای اشمیت ارتباط برقرار کنم و فیلم را خدمت ایشان ارسال کردم و ایشان هم پس از دیدن فیلم محبت خودشان را به من نشان دادند و لطفشان را از من دریغ نکردند در باب تایید اینکه من از اثر ایشان استفاده کرده‌ام و خوشبختانه برای من جای افتخار اینست که خالق اثر یا فیلم ارتباط برقرار کردند و لطف و محبت خودشان را هم در غالب به نوشته و یک ویدئو ابراز کردند که من از این بابت صمیمانه از ایشان سپاسگزاری می‌کنم و دستشان را به گرمی می‌فشارم.

با توجه به مدت زمان فیلم نگرانی بابت خسته شدن تماشاگر نداشتید؟

نه ندارم چرا که اگر این نمایش بروی صحنه تناثر هم برود کمتر از این نخواهد شد و این به دلیل انتخاب خود نویسنده محترم است که این غالب و ظرف زمانی را برای بیان آن محتوایی که مدنظرش بوده در نظر گرفته و من احساس می‌کنم زمانی که می‌خواهم اقتباس کنم باید به تمام شئونی که نویسنده برای اثرش قائل شده احترام بگذارم و با وفاداری به آن شئون سعی کنم که اگر می‌خواهم از آن اثر استفاده کنم در حداقل ممکن دخل و تصرفی داشته باشم آن هم در حدی که بتوانم کاراکترها را ابراز کنم و نه در اصل ماجرا که ذات این اثر همین مقدار زمان را طلب می‌کند.

از تجربه خاص و ویژه‌ای که نوشتن، بازیگری، کارگردانی و ساخت فیلم برای شهاب حسینی داشته بگویید.

شهاب حسینی هم بدنبال بهترین ایفای نقش خود در زمان

زیست و حیاتش در جامعه‌اش می‌گردد و تلاشش این است تا آثاری که از او در مدت زیست و حیاتش به یادگار می‌ماند تا مل برانگیز و به قول استاد فقید سمندرین جزو آثاری باشد که وقتی جلوی چشم تماشاگر به پایان رسید در قلب و روح و مغز تماشاگر آغاز شود. متاسفانه در سینما آثاری که اغنای روحی در آن اتفاق بیفتد کمتر دیده می‌شود و فضای سریال‌ها نیز مشخص است و این سریال‌ها با هر کیفیتی در نهایت کالایی مصرفی فرهنگی هستند که برای مدت زمانی محدودی کارکرد دارند و به همین علت من علاقه‌مند شدم در این مدت زمانی که عمرم به خصوص عمر حرفه‌ایم باقی مانده آن آرزوها و آرمان‌ها و آن رویاهایی که خودم نیز همواره در این حرفه داشته‌ام بتوانم دنبال کنم و این تجربه برای من تجربه جذابی است به این خاطر که پیش از هر چیز یک احساس استقلال رای و شاید به نوعی حس انجام کاری کارستان به انسان دست می‌دهد.

از مراحل ساخت لوکیشن فیلمبرداری و طراحی صحنه مقیمان ناکجا بگویید.

در حقیقت زمانی که سریال شهرزاد را کار می‌کردیم طبقه بالای لوکیشنی که صحنه‌های بیلبارد را انجام می‌گرفتیم سالنی بود که من بعضاً برای خلوت کردن به آنجا می‌رفتم و قدم می‌زدم. در یکی از همین قدم‌زدن‌ها متوجه شباهت به شدت زیاد فضا با فضای نمایشنامه مهمانسرای دو دنیا شدم و از همانجا این جرقه کلید خورد که می‌توان آن نمایشنامه را اینجا کار کرد و در مورد طراحی صحنه نیز ما طراحی اولیه صحنه را رد کردیم و سپس با یک همفکری به طراحی صحنه فعلی رسیدیم که با کمک خدای بزرگ و پیام‌اسکندری عزیز که این سمت را در کار بر عهده داشتند و با همکاری بسیار صمیمانه سرمایه‌گذار موفق شدند در کمترین زمان ممکن صحنه را برای فیلمبرداری آماده کنند و نکته جالبی که در این میان وجود داشت این بود که فیلمبرداری این فیلم در ست همزمان با اجرای تناثر اعتراف در سالن اصلی تناثر شهر بود و ما بلافاصله بعد از اجرا به لوکیشن می‌آمدیم و مقیمان ناکجا را فیلمبرداری می‌کردیم که واقعا یادش بخیر و امیدوارم که بتواند تاثیر خودش را بگذارد.

پیام این فیلم و اثری که می‌خواهد بر مخاطب داشته باشد چیست؟

همان پیام و اثری است که در دل من به عنوان کسی که روزی مخاطب این نمایشنامه قرار گرفته‌ام گذاشته است. اینکه در واقع به آنچه که حقیقت است بیشتر در زندگی‌ما اصالت بدهم نه به آنچه که بیشتر واقعیت است. چرا که ما می‌توانیم از واقعیت‌ها تلقی متفاوتی داشته باشیم اما حقیقت نمی‌تواند تفکرات متفاوت ایجاد کند. حقیقت اصالت دارد، زندگی یک نعمت و مرگ یک حقیقت است و کیفیت حضور در زندگی من فکر می‌کنم که تنها وظیفه‌ایست که هر انسانی بر عهده دارد.

اگر امروز دوباره امکان ساخت این فیلم را داشته باشید آیا باز به همین شکل آنرا خواهید ساخت؟

طبیعتاً من به اندازه توان و بودجه و امکاناتی که در آن زمان در اختیار داشتم می‌توانستم عمل کنم و این فیلم بعد از کمک خدای بزرگ و ابراز لطف دوستان و همکارانی که در این کار مرا همراهی کردند با بودجه بسیار اندک ساخته شده که این بودجه در همان زمان هم به نوعی یک چهارم بودجه ساخت یک فیلم لو باجت بود طبیعتاً اگر بودجه و امکانات بیشتری در اختیار داشتم حتماً ممکن بود شکل کار متفاوت تر باشد اگر بودجه استاندارد می‌توانستم این فیلم با قابلیت‌های صددرصد سینمایی می‌توانست ساخته شود ولی ما بیشتر از این بضاعت نداشتیم.

در پایان اگر از طریق این رسانه بخواهید سخنی با مخاطبان فیلم‌تان داشته باشید چیست؟

اول از همه از اینکه شما در این شرایط و بلبشو بازار هنری و فرهنگی بنده و اثر ناقابل‌رانتخاب می‌کنید که وقت و عمر شریفتان را به دیدنش اختصاص بدهید تشکر می‌کنم. به تصور من این فیلم را باید با تمرکز کامل دید و نه یکبار بلکه چند بار دید، بابت فهم کردن و به جان نشستن آن محتوا و شکلی که نویسنده مد نظر داشته و من تصور می‌کنم که واقعا وقتی مخاطبان برای دیدن این فیلم تشریف می‌برند حتی الامکان اگر خودشان را برای همان مدت زمان از موبایل، اینترنت و دنیای اطراف دور کنند به هر حال یک مکثی به اندازه دو ساعت فیلم به خود بدهند و با فراغ خاطر و بدون دغدغه دیگری سعی کنند این فیلم را تماشا کنند. این امیدواری را دارم که فیلم‌نوش جانشان خواهد شد و آرزو مندم آنچه‌را که شاهد هستند در شان حضور و قدم خیرشان در سالن باشد.